

تحلیل سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان از منظر نواقع‌گرایی و سازه‌انگاری*

*کیهان برزگر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۳

**زهرا محمودی

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۴/۱

چکیده

این پژوهش به بررسی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان می‌پردازد. برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، به عنوان یکی از بحران‌خیزترین کشورهای جهان، از مهم‌ترین موضوعات در باب مسائل هسته‌ای است که امریکا نیز سیاست عدم قاطعانه و پرهیز از اعمال فشارهای شدید و غیرقابل تحمل را در قبال آن اتخاذ نموده است. فرضیه‌ی نوشتار حاضر این است که سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان از متغیرهای ساختار مادی، یعنی ویژگی‌های مرتبط با ساختار نظام بین‌الملل و ساختار غیرمادی، یعنی هویت جمعی و اجتماعی نشأت می‌گیرد. نویسندگان مقاله برای آزمون فرضیه، ضمن به‌کارگیری نظریه نواقع‌گرایی، به تعریف دو متغیر هویت جمعی و اجتماعی نظریه‌ی سازه‌انگاری می‌پردازند و نتیجه‌گیری می‌کنند که امریکا، در چارچوب متغیرهای ساختار مادی در نظریه‌ی نواقع‌گرایی، نظیر سد نفوذ کمونیسم، بازدارندگی هسته‌ای، موازنه قوا، مبارزه با تروریسم و ...، و هم‌چنین به سبب وجود نوعی هویت رقابت‌آمیز (وضعیت لاکه) به عنوان برآیند برداشت هویت جمعی و اجتماعی واشنگتن و اسلام‌آباد در قالب متغیرهای ساختار غیرمادی در نظریه سازه‌انگاری، سیاست عدم مخالفت قاطعانه را در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان در پیش گرفته است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، ساختار مادی، امریکا، ساختار غیرمادی، هند، بازدارندگی، مبارزه علیه تروریسم، هویت جمعی و اجتماعی.

*استادیار روابط بین‌الملل
دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
واحد علوم تحقیقات، دانشگاه
آزاد اسلامی، تهران.

Kbarzegar@hotmail.com

دکتری روابط بین‌الملل،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
واحد علوم تحقیقات، دانشگاه
آزاد اسلامی، تهران.
Zahramahmoodi61@gmail.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری زهرا محمودی با عنوان "سیاست امریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران، پاکستان و هند از منظر نواقع-گرایی و سازه‌انگاری" است که به راهنمایی دکتر کیهان برزگر نگاشته شده است.

مقدمه

پاکستان از زمان استقلال (۱۹۴۷) تاکنون، مورد توجه امریکا بوده است، و همین امر موجب ارسال ۶۸ میلیارد دلار (۴۲ میلیارد دلار کمک اقتصادی و ۲۶ میلیارد دلار کمک نظامی) از جانب واشنگتن به اسلام‌آباد شده است (the news, 2013). طی این سال‌ها، موضوعات مختلفی در روابط دو کشور مطرح گردیده است که از آن بین، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیاست امریکا در قبال برنامه‌های تسلیحاتی پاکستان، مورد نظر این پژوهش است. از زمان آغاز تلاش‌های پاکستان جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای تا به امروز، شاهد اتخاذ سیاست‌های مختلفی از جانب واشنگتن در قبال برنامه هسته‌ای اسلام‌آباد مانند اِغماض، مخالفتِ اعلامی، اِعمال تحریم‌های نه چندان جدی و سپس لغو آن‌ها، ارسال کمک جهت تأمین امنیت بیشتر تأسیسات هسته‌ای، ضرورت مبارزه با نفوذ طالبان در ارتباط با دستیابی احتمالی آن‌ها به سایت‌های هسته‌ای پاکستان و ... بوده‌ایم. علی‌رغم اینکه صاحب‌نظران مسائل هسته‌ای مانند اسکات سگن^۱، معتقدند هم امریکا و هم تمامی بازیگران بین‌المللی، نگران امنیت تسلیحات اتمی و مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای پاکستان هستند (Case, 2011)، اما نه تنها شاهد اقدام قاطعانه‌ی واشنگتن در قبال برنامه اتمی پاکستان نیستیم، بلکه ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی به این کشور و ادامه‌ی همکاری‌های دو جانبه را مشاهده می‌نماییم. با توجه به وجود چنین شرایطی، نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه عواملی باعث شکل‌گیری سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان شده است؟ فرضیه‌ی مقاله نیز این است که سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان متأثر از متغیرهای ساختار مادی (ویژگی‌های مرتبط با ساختار نظام بین‌الملل) و ساختار غیرمادی (هویت جمعی و اجتماعی) است. برای آزمون این فرضیه، ضمن به کارگیری نظریه‌ی نواقح‌گرایی، به تعریف دو متغیر ساختار جمعی و اجتماعی نظریه‌ی سازه‌انگاری می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان ناشی از هر دو متغیر ساختار مادی و ساختار غیرمادی و هویتی است. برای هدایت پژوهش، ضروری است ابتدا چارچوب نظری تبیین شود. در گام بعد، پیشینه برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان تبیین خواهد شد. سپس سیاست امریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان در دو دوره‌ی جنگ سرد و پسا جنگ سرد (شامل دو دوره ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳) مطرح می‌شود. نوع تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش تحقیق آن اسنادی و کتابخانه‌ای است.

۱. فهم نظری سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان

مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، متغیر ساختار مادی، یعنی ویژگی‌های مرتبط با ساختار نظام بین‌الملل و متغیر ساختار غیرمادی، یعنی هویت جمعی و اجتماعی می‌باشند. اثرگذاری توأمان این متغیرها بر یکدیگر در چارچوب دو نظریه‌ی نواقع‌گرایی و سازه‌انگاری، امکان تبیین موضوع را فراهم می‌آورند. در چارچوب نظریه‌ی نواقع‌گرایی، متغیرهایی نظیر قدرت محوری، موازنه قوا، عقلانیت دولت‌ها، آنا‌رشی، بازدارندگی و نقش ساختار در نظام بین‌الملل مورد تأکید قرار می‌گیرند (Schweller and Priess, 1997). طبق نظریه‌ی نواقع‌گرایی، به دلیل خودیاری موجود در نظام آنا‌رشیک بین‌الملل، دولت‌ها نگران بقاء خود هستند و حداکثر رساندن امنیت را تعقیب می‌نمایند. لذا، در فضای ناامن نظام بین‌الملل، تأمین بقاء و امنیت از مهم‌ترین عوامل هسته‌ای شدن کشورها محسوب می‌شود. کنث والتز، معتقد است که گسترش سلاح هسته‌ای در چارچوب بازدارندگی هسته‌ای، عامل نگرانی محسوب نمی‌شود؛ چراکه از یک سو، به سبب قدرت بازدارندگی که سلاح هسته‌ای در مقابل تهدیدات بیرونی دولت‌ها ایجاد می‌کند و از طرف دیگر، به دلیل افزایش هزینه‌های جنگ، باعث کاهش وقوع آن شده و نوعی ثبات در نظام بین‌الملل ایجاد می‌نماید (Segan and Waltz, 2003)؛ براین اساس، اقدامات پاکستان برای کسب سلاح اتمی نیز به سبب تلاش این کشور جهت کسب بقاء و امنیت در نظام آنا‌رشیک و ایجاد بازدارندگی و توازن قوا در مقابل هند، صورت پذیرفته است. هم‌چنین براساس نقش بنیادین ساختار نظام بین‌الملل در نظریه‌ی نواقع‌گرایی، می‌توان گفت در زمان جنگ سرد و قرار داشتن اسلام‌آباد در جبهه مخالفان کمونیسم، امریکا اقدام جدی علیه فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان انجام نداد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اسلام‌آباد به دلیل قرار گرفتن در جبهه‌ی متحدین واشنگتن و پذیرش نحوه‌ی توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، از اقدامات جدی امریکا علیه برنامه‌ی هسته‌ای خود مصون ماند.

به موازات نظریه‌ی نواقع‌گرایی، می‌توان از نظریه‌ی سازه‌انگاری نیز جهت تکمیل تبیین سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان استفاده نمود. در نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها و تعاملات ایجاد می‌شوند. روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائل‌اند. بر این اساس، در چارچوب نظریه‌ی سازه‌انگاری، برداشت سیاست‌مداران امریکا از کلیت هویت پاکستان، در شکل‌گیری سیاست واشنگتن در قبال برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد تأثیرگذار بوده است. از نگاه نظریه‌پردازان مکتب سازه‌انگاری کل‌گرا، مانند کراتوچویل و جان راگی، ترکیب سطح تحلیل هنجارهای داخلی (هویت جمعی) و هنجارهای بین‌المللی

(هویت اجتماعی)، می‌تواند در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۹). هویت جمعی دولت شامل خصوصیات درونی انسانی، مادی و ایدئولوژیک است و از تعامل با جامعه‌ی داخلی نشأت می‌گیرد. هویت اجتماعی در تعامل با دیگر دولت‌ها در نظام بین‌الملل به وجود می‌آید (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۷). سازه‌نگاران کل‌گرا معتقد به نوعی قوام‌دهی متقابل میان هنجارهای داخلی و هنجارهای بین‌المللی هستند. بر این اساس، توجه به هویت جمعی (داخلی) آمریکا و پاکستان و در گام بعدی، برداشت بین‌الذهانی نشأت‌گرفته از هویت اجتماعی (ذهنیت دو کشور از یکدیگر)، جهت درک بهتر سیاست واشنگتن در قبال برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین، در نظریه‌ی سازه‌نگاری سیستمی^۳، الکساندر ونت سه برداشت از امنیت در شرایط آنارسی را معرفی می‌کند؛ خصومت‌آمیز (مدل هابزی)، رقابتی (مدل لاک‌ی)، و همکاری (مدل کانتی). نقش غالب در وضعیت لاک‌ی، رقابت است. وضعیت لاک‌ی دو ویژگی دارد: ۱- دولت‌ها هر نوع تعارضی هم که داشته باشند، باید حق حاکمیت یکدیگر را مورد احترام قرار دهند. ۲- قدرت نظامی کماکان اهمیت دارد، اما معنای آن برای رقبا با معنایی که برای دشمنان دارد، متفاوت است؛ زیرا تهدید جنبه وجودی ندارد (ونت، ۱۳۸۴: ۴۱۳-۴۱۲). می‌توان بر اساس انگاره‌های هویتی گفت که برداشت آمریکا از پاکستان، هویتی مبتنی بر رقابت است، و همین موضوع باعث شده است که علی‌رغم فعالیت نظامی هسته‌ای این کشور، واشنگتن سیاست عدم مخالفت قاطعانه و پرهیز از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده^۴ را در ارتباط با آن اتخاذ نماید. پیش از تبیین و تحلیل سیاست آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، ضروری است در بخش بعدی، به توضیح اجمالی پیشینه‌ی برنامه هسته‌ای پاکستان پردازیم.

۲. برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان در گذر تاریخ

کمیسیون انرژی اتمی پاکستان^۵ در سال ۱۹۵۵، در راستای هسته‌ای شدن این کشور راه‌اندازی شد. پس از اولین آزمایش هسته‌ای هند در می ۱۹۷۴، پاکستان جهت دستیابی به تسلیحات هسته‌ای تلاش مضاعف نمود. عکس‌العمل کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به آزمایش هسته‌ای هند، تکوین گروه تأمین‌کننده‌ی هسته‌ای^۶ یا کلوپ لندن^۷ در سال ۱۹۷۵ بود (Sublette, 2002). براین اساس، راهبرد منع صادرات هسته‌ای، از جانب کشورهای عضو کلوپ اتخاذ گردید. تمرکز اصلی بر کنترل اشاعه‌ی تکنولوژی مرتبط با تولید پلوتونیوم و غنی‌سازی کامل گاز سانترفیوژ بود. هر چند

3 Systemic Constructivism

4 Crippling Sanctions

5 Pakistan Atomic Energy Commission (PAEC)

6 Nuclear Suppliers Group

7 London Club

کمسیون انرژی اتمی پاکستان در نتیجه سیاست‌های کلپ لندن و محدودیت‌های کنترل صادرات مواد هسته‌ای، نتوانست به اهداف مورد نظرش در راستای استفاده از پلوتونیوم در تولید سلاح هسته‌ای دست یابد (nti, 2011)، اما اسلام‌آباد در سال ۱۹۷۴ توانست اطلاعات جدیدی در خصوص مواد شکافت‌پذیر، تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم و گاز سانتیریفیوژ به دست آورد. این اطلاعات که در اختیار کنسرسیوم انگلیسی، آلمانی و هلندی قرار داشت، توسط عبدالقادرخان، دانشمند پاکستانی به این کشور منتقل گردید (Sublette, 2002). خان پس از دریافت مدرک دکتری متالوژی از بلژیک در سال ۱۹۷۲، در لابراتوار اِ.ف.دی.آ^۸، واقع در آمستردام هلند مشغول به کار شد. در این لابراتوار مواد شکافت‌پذیر اورانیوم ۲۳۵ از کیک زرد جداسازی می‌شد (Eskildson, 2007). در سال ۱۹۷۴، هنگامی که از خان درخواست ترجمه‌ی اسناد طبقه‌بندی شده و سری در خصوص تکنولوژی سانتیریفوژها از زبان آلمانی به زبان هلندی و انگلیسی گردید، وی به اطلاعات مدنظرش دسترسی یافت. خان در ژانویه سال ۱۹۷۶، جهت کمک به برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم کشورش، هلند را ترک کرد (iiss, 2007). عبدالقادرخان در جولای سال ۱۹۷۶ در کاهوتا^۹، در نزدیکی اسلام‌آباد، لابراتوار تحقیقاتی را جهت فعالیت غنی‌سازی اورانیوم تأسیس نمود. خان شخصاً به خرید تجهیزات مورد نیاز نیز اقدام کرد، اما برای این که بتواند قوانین مربوط به کنترل صادرات مواد هسته‌ای را دور بزند، خریده‌ها را در حجم بسیار کم انجام می‌داد (Tertrais, 2007).

پس از این که هند در تاریخ ۱۱ و ۱۳ می ۱۹۹۸، تعداد پنج انفجار هسته‌ای را آزمایش نمود، پاکستان نیز در ۲۸ می ۱۹۹۸، تعداد پنج آزمایش و در ۳۰ می، ششمین آزمایش اتمی‌اش را انجام داد (Azam, 2005). نواز شریف، نخست‌وزیر وقت پاکستان اعلام کرد که این آزمایش‌ها در مقابل آزمایشات هند و جهت بازدارندگی علیه هرگونه حمله متعارف و غیرمتعارف صورت پذیرفته است (nuclearweaponarchive, 2002).
دکترین هسته‌ای پاکستان بر پایه‌ی بازدارندگی حداقلی معتبر هسته‌ای^{۱۰} اعلام شده است. پاکستان عدم استفاده از ضربه‌ی نخست^{۱۱} را قبول ندارد. ژنرال پرویز مشرف، رئیس‌جمهور وقت پاکستان در سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که اگر جنگی میان هند و پاکستان صورت پذیرد، با تمام قوا پاسخ خواهیم داد (Sublette, 2002)؛ پس می‌توان استنباط کرد که اگر حمله‌ای سنگین ولی متعارف، از جانب هند علیه پاکستان صورت پذیرد، اسلام‌آباد با سلاح هسته‌ای به آن پاسخ خواهد داد، چراکه هند در زمینه‌ی تسلیحات متعارف در مقایسه با پاکستان از برتری برخوردار است (Narang, 2010). ژنرال خالد کیدوایی^{۱۲}، رئیس وقت برنامه‌ریزی عملیات ستاد مشترک هسته‌ای پاکستان نیز

8 FDO

9 Kahuta

10 Credible minimum nuclear deterrence

11 First stic

12 Khalid Kidwai

اعلام کرد که تسلیحات هسته‌ای این کشور در زمان حمله‌ی هند و تسلط بر بخش بزرگی از پاکستان؛ یا تخریب بخش گسترده‌ای از سرزمین یا نیروی هوایی پاکستان و یا بروزی‌ثباتی سیاسی، استفاده خواهد شد (Singh, 2013). گفتنی است که پاکستان هم از پلوتونیوم و هم از اورانیوم با غنای بالا، جهت ساخت بمب اتمی برخوردار است. مرکز مهم غنی‌سازی اورانیوم در کاهوتا و هم‌چنین در نزدیکی واه^{۱۳} قرار دارد. در راکتور خوشاب^{۱۴} نیز پلوتونیوم با درجه‌ی تسلیحاتی تولید می‌شود. براساس اطلاعات مؤسسه سیپری^{۱۵} در سال ۲۰۱۳، پاکستان حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. (Schell, 2013). پس از بررسی پیشینه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، در بخش بعد، به تبیین سیاست آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان می‌پردازیم.

۳. تحلیل سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان

سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان را می‌توان به دوره جنگ سرد و دوران پسا جنگ سرد تقسیم نمود.

۳-۱. سیاست آمریکا در دوران جنگ سرد

روابط آمریکا و پاکستان در فضای جنگ سرد کلید خورد. در این دوران، اسلام‌آباد به دلیل جایگاه ژئواستراتژیکی جنوب آسیا، مورد توجه واشنگتن قرار گرفت (Momani, 2004:43). آمریکا در سال ۱۹۶۰، با هدف گسترش روابط دوجانبه، حدود ۳۵۰ هزار دلار به پاکستان، جهت آماده‌سازی اولین راکتور تحقیقاتی این کشور ارسال نمود (Sublette, 2002). پس از آزمایش‌های اتمی هند در سال ۱۹۷۴، آمریکا کمک‌های خود به پاکستان را با هدف منصرف کردن این کشور از پیگیری برنامه‌ی تسلیحاتی اتمی گسترش داد. هنری کسینجر، وزیر خارجه وقت آمریکا از پاکستان تقاضا کرد که از پیگیری برنامه‌ی تسلیحاتی هسته‌ای خود دست برداشته و به جای آن، به تقویت سلاح‌های متعارف اقدام نماید (Abbas, 2005)، اما پاکستان برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای را مرتبط با بقای ملی معرفی و در برابر درخواست آمریکا مقاومت نمود.

آمریکا در آوریل ۱۹۷۹، با مشاهده‌ی تلاش‌های پاکستان جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای، بر اساس اصلاحیه‌ی سمینگتون^{۱۶}، کمک‌های اقتصادی به این کشور، به استثنای کمک‌های غذایی را قطع کرد. وزارت خارجه‌ی آمریکا علی‌رغم اینکه اعلام کرد عناصر خطر در ارتباط با برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد را مشاهده می‌کند، اما خواستار حفظ روابط خوب با پاکستان، به عنوان کشوری میانه‌رو در منطقه گردید (gwu).

13 Wah

14 Khushab

15 Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

16 Symington Amendment

اصلاحیه‌ی سمینگتون در زمینه لایحه‌ی کمک‌های خارجی مصوب سال ۱۹۶۱ است که علیه کشورهای واردکننده‌ی تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم اعمال می‌گردد

2010). روابط پاکستان و آمریکا در شکل کاهش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی ادامه یافت، تا این‌که در زمان حمله‌ی شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹، اسلام‌آباد به عنوان سدی در مقابل توسعه‌طلبی شوروی از جانب کاخ سفید مطرح گردید. کنگره‌ی آمریکا در زمان ریاست جمهوری ریگان، به دلیل نگرانی در مورد امنیت ملی و پذیرش تعهد پاکستان در این زمینه که قصد ساخت سلاح اتمی ندارد، محدودیت‌ها (از جمله اصلاحیه سمینگتون) در مورد کمک به این کشور را لغو نمود. بر همین اساس، سیا معتقد است که با تبدیل پاکستان به اولویت سیاست خارجی آمریکا در زمان حمله شوروی به افغانستان، واشنگتن به رضایت در قبال برنامه‌ی هسته‌ای نظامی اسلام‌آباد تن داد (gwu, 2010). آدریان لوی^{۱۷}، روزنامه‌نگار انگلیسی، در کتاب خود تحت عنوان "فریب؛ پاکستان، آمریکا و معامله‌ی مخفی در تسلیحات هسته‌ای"^{۱۸}، مطرح می‌نماید که دولت ریگان به دلیل مقابله با شوروی در افغانستان، چشمان خود را بر روی برنامه هسته‌ای پاکستان بست (Stein, 2012). کلمه‌ی "فریب" در عنوان کتاب، فقط مربوط به اقدامات پاکستان نمی‌شود، بلکه به هر دولتی در آمریکا که از ۱۹۷۶، تماماً اطلاعات مرتبط با هسته‌ای شدن پاکستان را نادیده گرفته است، باز می‌گردد. با عنایت به توضیحات فوق، می‌توان گفت که در چارچوب نظریه‌ی نواقح‌گرایی در دوران جنگ سرد، الزامات ساختاری برای آمریکا مانند سدنفوذ شوروی، مبارزه با کمونیسم و نیز قرار گرفتن اسلام‌آباد در جرگه‌ی متحدان کاخ سفید، سایر اولویت‌های سیاسی واشنگتن، مانند تعهد به پیمان منع اشاعه‌ی هسته‌ای را تحت الشعاع قرار داد و مشخص کرد که جلوگیری کشوری مصمم (به خصوص کشوری متحد)، جهت کسب تکنولوژی هسته‌ای به چه میزان دشوار است.

از منظر نظریه‌ی سازه‌نگاری نیز پاکستانی‌ها بر اساس متغیر هویت جمعی، با تکیه بر ناسیونالیسم، دغدغه‌ی تأمین امنیت را به خصوص پس از سه جنگ با هند در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ از مسیر هسته‌ای شدن پی‌گیری نمودند. بر اساس هویت اجتماعی پاکستان (برداشت هویتی آمریکا از پاکستان) نیز محوریت سدنبدی در مقابل کمونیسم، گسترش دامنه‌ی متحدین، عدم برداشت خصومت‌آمیز واشنگتن از اسلام‌آباد و سیاست‌های هسته‌ای آن، در ذهنیت سیاست‌مداران کاخ سفید در دوران مذکور وجود داشت. در سمت دیگر، امریکایی‌ها بر اساس متغیر هویت جمعی و اعتقاد به مأموریت خود جهت برقراری و حمایت از آزادی و مبارزه با دشمنان آن، به صدف‌بندی در مقابل شوروی اقدام نموده و همکاری با پاکستان را جهت دست‌یابی به این هدف ضروری می‌دانستند. بر اساس هویت اجتماعی آمریکا (برداشت هویتی پاکستان از آمریکا)، پاکستانی‌ها بر این باور بودند که می‌توانند با حضور در گروه متحدان آمریکا، از هرگونه اقدام جدی واشنگتن علیه برنامه‌ی هسته‌ای‌شان مصون بمانند. پس از تسخیر سیاست آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان در دوران جنگ

17 Adrian Levy

18 Deception: Pakistan, the United States and the Secret Trade in Nuclear Weapons

سرد؛ در قسمت بعدی، این موضوع را در دوران پس از جنگ سرد بررسی می‌نماییم.

۲-۳. سیاست آمریکا در دوران پسا جنگ سرد

سیاست آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، در دوران پسا جنگ سرد را می‌توان به دو دوره‌ی ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴ تقسیم کرد.

۱-۲-۳. سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱

با تهاجم شوروی به افغانستان و افزایش اهمیت ژئوپولیتیک پاکستان برای آمریکا، اسلام‌آباد مسائل مربوط به هسته‌ای شدن خود را روان‌تر پی‌گیری نمود؛ به همین دلیل در اوایل دوران ریاست جمهوری بوش پدر، ابتدائاً توسعه مخفی سلاح‌های هسته‌ای پاکستان نادیده گرفته شد (Chou, 2003: 30-31). اما با خروج شوروی از افغانستان، جریان کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا به پاکستان بر اساس اصلاحیه پرسلر^{۱۹} متوقف گردید. بوش پدر، ناتوانی خود در اثبات این موضوع که پاکستان، درگیر توسعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای نیست را به اطلاع کنگره رساند. به همین منظور، کنگره بر طبق اصلاحیه‌ی پرسلر در اکتبر سال ۱۹۹۰، به تعلیق کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان رأی مثبت داد. اما فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان حتی پس از تحریم‌های آمریکا روند خود را طی نمود، تا اینکه پس از آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، پاکستان نیز دست به اقدام متقابلی زد و در می ۱۹۹۸، تعداد شش آزمایش موفقیت‌آمیز اتمی در ایالت بلوچستان انجام داد (Ganguly and Hagerty, 2005). آزمایش‌های اتمی پاکستان، روابط واشنگتن-اسلام‌آباد را تحت تأثیر قرار داد، طوری که بیل کلینتون دستور داد بر اساس اصلاحیه گلن^{۲۰} در سال ۱۹۹۸، علیه پاکستان (و هند) تحریم‌هایی اعمال شود (Momani, 2004: 44). تحریم‌های آمریکا در قبال آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان، ابتدا در شکل محدودیت‌های مالی و کمک‌های اقتصادی و ممنوعیت طرح درخواست وام از جانب اسلام‌آباد از نهادهای بین‌المللی بود، اما در سال ۱۹۹۹ و پس از کودتای نظامی ژنرال مشرف علیه نواز شریف، تحریم‌ها به صادرات کالاهایی با تکنولوژی بالا، فروش ادوات دفاعی و کمک‌های نظامی گسترش یافت (Umbreen, 2006).

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان گفت با پایان جنگ سرد و تغییر ساختار

19 Pressler Amendment:

بر اساس اصلاحیه پرسلر، رئیس‌جمهور آمریکا باید هر سال تضمین می‌کرد که پاکستان دارای سلاح اتمی نیست و تلاشی برای کسب آن نمی‌کند.

20 Glenn Amendment :

طبق اصلاحیه‌ی گلن، دولت آمریکا هرگونه درخواست وام از سوی کشورهایی که در لیست تحریم‌های آمریکا قرار دارند را رد می‌کرد.

نظام بین الملل، از اهمیت استراتژیک پاکستان نزد امریکا کاسته شد، اما علی‌رغم این موضوع، شاهد اعمال تحریم‌های شدید و غیرقابل تحمل از جانب واشنگتن در قبال برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد نبودیم. علت اتخاذ این راهبرد از جانب امریکا در چارچوب نظریه بازدارندگی هسته‌ای والتز قابلیت تبیین می‌یابد. از دیدگاه والتز، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی‌اند که در پی حفظ توازن قوا هستند و با کسب تسلیحات هسته‌ای، اقدام به ایجاد منازعه نمی‌کنند. به نظر والتز در شرایط آنارشیک که دولت‌ها را به خودیاری برای تأمین بقاء و امنیت خود وامی‌دارد، تسلیحات هسته‌ای از یک سو، به سبب قدرت بازدارندگی که در مقابل تهدیدات بیرونی دولت‌ها ایجاد می‌کنند، و از سوی دیگر به دلیل افزایش هزینه‌های جنگ، باعث کاهش وقوع آن شده و بدین ترتیب، امنیت فیزیکی کنش‌گران دولتی را حفظ می‌کنند. قدرت بازدارندگی این تسلیحات، هم باعث ایجاد امنیت برای دولت‌ها و کاهش فشارهای رقابتی میان آن‌ها و رقیبان منطقه‌ای می‌شود و هم باعث ایجاد نوعی ثبات استراتژیک برای نظام بین الملل است (Segan and Waltz, 2003). براین اساس، هسته‌ای شدن پاکستان با هدف تأمین امنیت، باعث کاهش وقوع جنگ میان دهلی و اسلام‌آباد و تکوین نوعی ثبات از طریق ایجاد بازدارندگی می‌گردد.

در چارچوب نظریه سازه‌انگاری، برداشت دولت‌مداران امریکا از دولت پاکستان در طی این دوران، برداشتی مبتنی بر دشمنی نبود و واشنگتن اطمینان داشت که اسلام‌آباد از تسلیحات هسته‌ای علیه امریکا و متحدان آن استفاده نخواهد کرد. پاکستان نیز با دغدغه‌ی معضل امنیت^{۲۱} و ایجاد موازنه در برابر هند و هم‌چنین دغدغه‌ی برآورده شدن پرستیژ ملی، اقدام به پیشبرد برنامه هسته‌ای خود و در نهایت آزمایش موفقیت‌آمیز اتمی در سال ۱۹۹۸ نمود. البته پاکستانی‌ها معتقد بودند که با خروج نیروهای ارتش شوروی از افغانستان، جایگاه کشورشان نزد دولت‌مداران کاخ سفید نیز تنزل یافته بود. به هر حال، تحریم‌های نه‌چندان تأثیرگذار امریکا در پی آزمایش هسته‌ای علیه پاکستان به قوت خود باقی ماند تا این‌که پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در پی آن، حمله‌ی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا به افغانستان، موجبات لغو تحریم‌های مذکور فراهم گردید که در قسمت بعدی به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۲-۳. سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴

با آغاز جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پاکستان مجدداً به خط مقدم مبارزه، این بار علیه تروریسم تبدیل شد. پرویز مشرف، برای جلوگیری از حمله امریکا به پاکستان، به جبهه متحدان واشنگتن پیوست. پس از این تصمیم مشرف، امریکا الویت‌های سیاست خارجی خود را در روابط با پاکستان که موجب انعقاد تحریم‌هایی بر اثر آزمایش اتمی و کودتای ۱۹۹۹ در پاکستان شده بود، لغو کرد. جرج دبلیو بوش در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۱، نیاز به مجوز برای صادرات و عدم کمک

به پاکستان را کنار گذاشت و سنا نیز برای مقابله با تروریسم، ارسال کمک‌های مالی و نظامی به این کشور را تصویب نمود. اما با توجه به فضای بین‌المللی متأثر از حملات ۱۱ سپتامبر و به خصوص پس از انتشار خبر ملاقات اسامه بن لادن و ایمن الظواهری در آگوست ۲۰۰۱ با دانشمندان هسته‌ای پاکستان، نگرانی در خصوص امنیت زرادخانه هسته‌ای این کشور شدت گرفت (Albright, 2002). دولت پاکستان با اعلام اینکه امنیت سایت‌ها و تسلیحات هسته‌ای کشور در شرایط قابل قبولی قرار دارد، سعی در کاهش نگرانی‌های موجود نمود و تا به امروز نیز بر وجود امنیت کامل در این تأسیسات تأکید داشته است. این در حالی است که پاکستان عضو پیمان عدم اشاعه^{۲۲} و پیمان منع آزمایشات هسته‌ای^{۲۳} نبوده و تسلیحات هسته‌ای این کشور نیز تحت نظارت پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار ندارد. در ضمن، پاکستان تنها کشوری است که هرگونه مذاکره در خصوص معاهده‌ی قطع مواد شکافت‌پذیر^{۲۴} را رد کرده است و توجیه این اقدام را مواجهه عقلانی در قبال افزایش سلاح‌های متعارف هند مطرح نموده است (Rose, 2011). هم‌چنین، براساس رده‌بندی کشورها در خصوص موضوع امنیت مواد هسته‌ای در جهان در سال ۲۰۱۲، پاکستان در رده‌های انتهایی جدول قرار دارد. (Ahmed, 2014) با وجود این، واشنگتن نه تنها مخالفت جدی با برنامه هسته‌ای اسلام‌آباد به عمل نیاورده است، بلکه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برای آموزش و برنامه اعتماد به پرسنل، تجهیزات کنترل، نصب سنسور، تجهیزات پیشرفته برای محاسبه‌ی مواد و سایر اقدامات جهت ارتقای ایمنی تأسیسات به پاکستان ارسال نموده است (Sanger and Schmitt, 2011).

این کمک‌های دولت آمریکا در شرایطی به پاکستان ارسال می‌شود که برخی کارشناسان و مقامات آمریکایی از وجود خطراتی ناشی از برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد ابراز نگرانی می‌کنند و معتقدند برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای پاکستان، در بهترین شرایط نیز، بازهم خطرناک محسوب می‌شود (Bast, 2013). گراهام آیسون، کارشناس سلاح‌های هسته‌ای معتقد است؛ سه تهدید عمده در ارتباط با برنامه‌ی نظامی هسته‌ای پاکستان وجود دارد: ۱- تروریست‌ها سلاح هسته‌ای را سرقت کرده و آن را علیه بمبئی یا نیویورک در یک ۱۱ سپتامبر هسته‌ای^{۲۵} به کار ببرند؛ ۲- انتقال سلاح هسته‌ای به سایر کشورها؛ ۳- بدست آوردن سلاح‌های هسته‌ای توسط گروه‌های شبه‌نظامی در زمان بی‌ثباتی یا فروپاشی نظام سیاسی کشور (Goldberg and Ambinder, 2011). منابع غربی به خطرات دیگری همچون خطر گسترش سریع زرادخانه هسته‌ای، خطر انتقال سلاح هسته‌ای از پاکستان به عربستان و خطر متأثر از اشاعه‌ی این سلاح‌ها توسط شبکه عبدالقادرخان را به موارد فوق اضافه می‌کنند، که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

22 Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)

23 Comprehensive Test Ban Treaty (CTBT)

24 Fissile Material Cut-Off Treaty (FMCT)

25 A nuclear 9/11

خطر اول مربوط به سرقت تسلیحات هسته‌ای پاکستان، نخستین خطر است که هم به صورت مستقیم، از طریق حمله‌ی تروریست‌ها به تأسیسات و حمل مواد هسته‌ای، و هم به صورت غیرمستقیم به دلیل تبانی کارمندان تأسیسات هسته‌ای امکان وقوع دارد. خطرات مستقیم بیشتر با وقوع حملات تروریستی علیه تجهیزات ذخیره موشکی پاکستان در سرگودها^{۲۶}، واه، مقر فرماندهی ارتش در راولپندی، پایگاه دریایی مهران، پایگاه هوایی کامرا^{۲۷} و مینهاس^{۲۸} اعتراضات بین‌المللی علیه امنیت زرادخانه هسته‌ای پاکستان شتاب گرفت (Salik and Luongo, 2013). در همین ارتباط، پرویز هودی^{۲۹}، صاحب‌نظر پاکستانی اعلام کرد که نگران دستیابی شبکه‌های جهادی به تأسیسات هسته‌ای، جهت اجرای اهداف سیاسی شان است. او غفلت مقامات پاکستانی در خصوص تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای را متذکر شد (Hoodboy, 2013). در هر صورت، اگر تروریست‌ها بتوانند به تأسیسات هسته‌ای پاکستان حمله کرده و سلاح هسته‌ای را بدست آورند، با توجه به ارتباطات نزدیک القاعده با گروه‌های تروریستی پاکستانی از جمله تحریک طالبان پاکستان^{۳۰}، سپاه صحابه^{۳۱}، لشکر جهنگوی^{۳۲}، لشکر طیبه^{۳۳} و نیز آرزوی دیرینه القاعده در کسب تسلیحات کشتار جمعی (Gregory, 2013) و احتمال استفاده از بمب اتمی پاکستان در جهاد علیه کافران، می‌توان شاهد بروز تروریسم هسته‌ای بود که اتفاقاً آمریکا نیز همواره بر جدی بودن خطر این نوع از تروریسم و متعاقباً بسیج عمومی جامعه بین‌المللی برای مبارزه با آن تأکید می‌کند (Barzegar, 2014). در کنار خطر حمله به تأسیسات هسته‌ای در پاکستان، حمله تروریست‌ها به محموله‌های حمل مواد هسته‌ای نیز امکان عملیاتی شدن دارد. پاکستان از ترس حمله‌ی هند یا آمریکا، سلاح هسته‌ای خود را پراکنده نموده تا آسیب‌پذیری آن را کاهش دهد، اما هم‌زمان با تغییر محل تسلیحات، خطر علیه کامیون‌های حامل کلاهک‌های هسته‌ای در جاده‌ها وجود دارد. اسکات سگن، صاحب‌نظر موضوعات هسته‌ای معتقد است زمانی که مأمور سرویس اطلاعات داخلی پاکستان^{۳۴} با اعضای طالبان جهت مخفی کردن تسلیحات هسته‌ای پاکستان در افغانستان، با هدف رفع خطر حمله هند مذاکره می‌کند، هرچند این موضوع در عرصه‌ی عمل، اجرایی نشده باشد، اما عمق خطرات موجود را گوشزد می‌نماید (Fernandez, 2011).

در مقابل، خطرات غیرمستقیم هم وجود دارند که به موازات خطر حمله‌ی مستقیم تروریست‌ها بیشتر مربوط به سایت‌های هسته‌ای و محموله‌های حمل مواد هسته‌ای،

26 Sargodha

27 KAMRA Air Base

28 Minhas Air Base

29 Pervaiz Hoodboy

30 Tehrik-e- Taliban-e- Pakistan (TTP)

31 Sipah-e-Sahaba Pakistan (SSP)

32 Lashkar-i-Jhangvi (LJ)

33 Lashkar-e-Toiba (LT)

34 Inter- Services Intelligence (ISI)

خطر غیرمستقیم امکان انتقال مواد با اهداف منفعت‌جویانه یا انگیزه‌ی مذهبی توسط افراد شاغل در تأسیسات می‌شوند (Albright, 2001). اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که بدانیم تروریست‌ها در بسیاری از حملات‌شان علیه پایگاه‌های نظامی، که احتمال وجود تسلیحات هسته‌ای در آن‌ها وجود دارد، یونیفورم‌های ارتش بر تن داشته و به آی‌دی‌های نظامیان و اطلاعات در خصوص پایگاه‌های نظامی دسترسی داشته‌اند (Hersh, 2009). پس، می‌توان گفت که علی‌رغم برنامه‌های امنیتی و تغییر کادر کارمندان تأسیسات هسته‌ای، هنوز طرفداران تروریست‌ها میان آن‌ها حضور دارند و اطلاعات لازم را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهند (Guardian, 2010).

خطر دوم در ارتباط با برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، بدست آوردن تسلیحات هسته‌ای توسط گروه‌های شبه‌نظامی در زمان بی‌ثباتی یا فروپاشی نظام سیاسی است. برخی گروه‌های فکری در امریکا معتقدند اگر وضعیت امنیتی پاکستان به مخاطره بیفتد، امکان دستیابی گروه‌های تروریستی به تسلیحات اتمی نیز محتمل خواهد بود (Iqbal, 2013). این در حالی است که تاریخ پاکستان مملو از بی‌ثباتی، افراطی‌گری، کودتا، تجزیه‌طلبی قومی و عملیات تروریستی بوده است و اقتصاد پاکستان نیز با متغیرهایی نظیر نرخ تورم ۱۵ درصد، نرخ بیکاری ۳۴ درصد، درآمد روزانه کمتر از دو دلار برای ۶۰ درصد مردم، در کنار متغیرهای تاریخی، احتمال ایجاد و گسترش ناامنی را افزایش می‌دهد (ciafactbook, 2013). با وجود چنین شرایطی، امکان وقوع بی‌ثباتی توسط گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و کودتا در این کشور دور از انتظار نخواهد بود. در آن صورت، احتمالاً افراط‌گرایان اسلامی به همراه بنیادگرایان حاضر در ارتش پاکستان، قدرت را به دست گرفته و کنترل برخی تجهیزات هسته‌ای را از آن خود خواهند نمود.

خطر سوم مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان، خطر مربوط به گسترش زرادخانه هسته‌ای این کشور، به عنوان سریع‌ترین انبار هسته‌ای در حال رشد جهان^{۳۵} است. طبق اطلاعات ارائه شده در سال ۲۰۱۳، مواد شکافت‌پذیر موجود در پاکستان برای تولید حدود ۲۰۰ تسلیحات هسته‌ای کافی است و اسلام‌آباد توانایی ساخت ۱۰ تا ۱۵ کلاهک هسته‌ای از طریق اورانیوم غنی شده غلظت بالا^{۳۶} و تولید حدود ۱۲ تا ۲۴ کیلوگرم پلوتونیوم در هر سال را داراست (fissilematerials, 2013). موضوع افزایش سریع زرادخانه‌ی هسته‌ای پاکستان در شرایطی کماکان به پیش می‌رود که هسته مرکزی استراتژی امنیت ملی امریکا در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، کاهش ذخائر هسته‌ای در جهان اعلام شده است؛ اما دولت وی، نه تنها اقدام خاصی در برابر افزایش زرادخانه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد انجام نداده، بلکه سکوت استراتژیکی^{۳۷} را در این زمینه پیشه کرده است (Pearson, 2013). در نتیجه‌ی همین شرایط، پاکستان که در زمان آغاز به کار دولت اوباما، حدود ۶۰ تا ۹۰ سلاح هسته‌ای در اختیار داشت، در حال

35 The world's fastest-growing nuclear stockpile

36 Highly Enriched Uranium (HEU)

37 Strategic silence

حاضر، حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ سلاح اتمی دارد (Sanger and Schmit, 2011).

خطر چهارم، موضوع انتقال سلاح هسته‌ای از پاکستان به عربستان است. عربستان از نخستین روزهای استقلال پاکستان، در این کشور سرمایه‌گذاری نمود و ۶۰ درصد هزینه‌های مالی (Borger, 2010) پروژه بمب هسته‌ای پاکستان را تأمین نمود. ملک عبدالله، پادشاه عربستان در ملاقات با دنیس راس، فرستاده ویژه امریکا در امور خاورمیانه در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، عربستان هم در کسب تسلیحات هسته‌ای لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد (BBC Newsnight, 2013)؛ البته طرح این موضوع از جانب ریاض، نوعی فریب‌کاری محسوب می‌شود؛ چراکه اولاً، ج.ا.ایران بارها اعلام کرده است که در پی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نیست. ثانیاً، مسئله دستیابی عربستان به کلاهک‌های هسته‌ای نه به سال‌های اخیر، بلکه به چند دهه قبل باز می‌گردد. محمد خیلوی^{۳۸}، دیپلمات سابق عربستان در سازمان ملل اظهار داشت که عربستان برای کسب سلاح هسته‌ای از اواسط دهه ۱۹۷۰ تلاش کرده است (Keck, 2013). پس از اینکه مقامات عالی‌رتبه امریکا درخصوص خرید بمب هسته‌ای از پاکستان توسط سعودی‌ها، اظهار نگرانی نمودند و خواستار توضیحاتی در این زمینه از جانب ریاض شدند، عربستان اعلام کرد قصد چنین خریدی را ندارد، مقامات امریکایی نیز در مقابل و بدون هیچ تحقیقی، این موضوع را پذیرفتند (Ahmed, 2013: 38). این در حالی است که طبق اسناد منتشر شده‌ی ویکی لیکس، برخی مقامات پاکستانی اظهار داشته‌اند کاملاً منطقی است که عربستان به عنوان رهبر و حامی دنیای عرب، در پی کسب سلاح هسته‌ای باشد (BBC Newsnight, 2013). یکی از افسران امنیتی پاکستان نیز معتقد است که کشورش تعداد دقیقی از کلاهک‌های هسته‌ای را در پایگاه‌های نظامی حفظ کرده است که در صورت درخواست عربستان، آن‌ها را سریعاً به ریاض منتقل کند (BBC Newsnight, 2013). بنابراین می‌توان گفت عربستان برای دستیابی به سلاح هسته‌ای پاکستان، با دو گزینه مواجه است: ۱- توافق موسوم به بخر و ببر^{۳۹} که طبق آن مقامات سعودی اقدام به خرید و تهیه سلاح ساخته شده و آماده از پاکستان بنمایند. ۲- توافقی برای اعزام کارشناسان و پرسنل هسته‌ای پاکستان به عربستان و ساخت سلاح در این کشور منعقد شود. البته مقامات رسمی پاکستان، هر دو گزینه‌ی مذکور را به دلیل هراس از اعمال تحریم‌های بین‌المللی رد می‌کنند، اما تاریخ پاکستان نشان داده است که این کشور از تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای هراسی نداشته و در ضمن روی کمک‌های عربستان در زمان تحریم‌ها نیز حساب باز می‌کند. همان‌گونه که پس از اعمال تحریم‌ها علیه پاکستان در سال ۱۹۹۸، ریاض حدود ۵ میلیارد دلار از درآمد نفتی خود را به پاکستان ارسال نمود (Ahmed, 2014: 54). با این شرایط، در صورت کسب سلاح هسته‌ای توسط عربستان، به عنوان کشوری که جریان‌های تندرو و منتسب به سلفیون، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های

آن دارند، نمی‌توان از خطر وقوع تروریسم هسته‌ای چشم پوشید.

خطر پنجم مربوط به برنامه هسته‌ای پاکستان، موضوع اشاعه‌ی فن‌آوری هسته‌ای توسط شبکه عبدالقدیر خان است. پس از آشکار شدن فعالیت‌های غیرقانونی شبکه‌ی خان در ارتباط با فروش سانتریفیوژ و کمک به توسعه‌ی برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم در کره شمالی، لیبی و پیشنهاد به عراق در زمان رژیم صدام جهت همکاری، نگرانی‌ها در خصوص موضوع اشاعه‌ی فن‌آوری هسته‌ای توسط پاکستان مورد افزایش یافت (Downer, 2004). جرج تنت، رئیس وقت سیا اعلام کرد که عبدالقادر خان، رئیس شبکه‌ی خان، نیز مانند اسامه بن‌لادن خطرناک است (iiss, 2007). ژنرال مشرف در سال ۲۰۰۴ اظهار داشت که پس از اطلاع از معاملات عبدالقادر خان، شوکه شده و دستور بازداشت خانگی وی را صادر کرده است (Hersh, 2009). عبدالقادرخان تا سال ۲۰۰۹ در بازداشت خانگی به سر می‌برد، اما بدون شک، میراث وی، تحت عنوان شبکه‌ی خان، می‌تواند از طریق اشاعه‌ی فن‌آوری هسته‌ای به صورت زیرزمینی به فعالیت پردازد. در ضمن، خریداران گذشته مانند کره شمالی، می‌توانند تبدیل به فروشندگان امروزی شوند خطر اشاعه‌ی هسته‌ای از طریق پاکستان به میزانی است که واشنگتن مجدداً به اسلام‌آباد هشدار می‌دهد بر امکان ریسک اشاعه‌ی هسته‌ای توسط خان و شبکه او داده است (Nelson, 2014).

با توجه به خطرات مذکور، به نظر می‌رسد حتی افراد خوشبین هم نمی‌توانند بپذیرند که سلاح‌های هسته‌ای پاکستان در وضعیت کاملاً امنی قرار دارند. حال با توجه به این شرایط، چگونه می‌توان عدم مخالفت و اقدام قاطعانه‌ی آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ را توضیح داد؟ نظریه‌ی نواقعی‌گرایی و سازه‌نگاری قابلیت تبیین این موضوع را فراهم می‌آورد. طبق نظریه‌ی نواقعی‌گرایی، پاکستان پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، در کنار عدم مخالفت با نظم و ساختار نظام بین‌الملل به رهبری آمریکا، اقدام به ارائه کمک‌های اطلاعاتی و لجستیکی به واشنگتن در جنگ افغانستان نمود. برای دولت مردان آمریکا کاملاً مسجل شده است که بدون همکاری پاکستان، تأمین منافع آمریکا در افغانستان، از جمله عملیات علیه تروریست‌ها (به خصوص القاعده) تقریباً بی‌نتیجه خواهد ماند. چنان‌که نابودی و دستگیری اعضای ارشد القاعده مانند ابوفرج اللیبی، خالد شیخ محمد و عمر شیخ سعید و دستگیری صدها تن از عوامل مشکوک به هواداری از این گروه توسط آمریکا، با همکاری سرویس اطلاعاتی پاکستان صورت پذیرفت. هم‌چنین، براساس توافقات صورت گرفته میان پرویز مشرف و جرج دلبیو بوش، مشرف اجازه‌ی پرواز هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در پاکستان را به شرط مخفیانه صورت گرفتن آن‌ها صادر کرد (Landler, 2013). حملات نیز گاهی اوقات مخفیانه صورت می‌گرفت. در دوران او باما، تعداد پرواز هواپیماهای بدون سرنشین گسترش یافت، اما ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان کماکان خواستار مخفی ماندن آن‌ها تا حد ممکن هستند.

امریکا در روابط خود با پاکستان در چارچوب نظریه‌ی نوواقع‌گرایی با محوریت تأمین امنیت، نیم‌نگاهی نیز به موضوع خروج نیروهای خارجی از افغانستان دارد؛ بر این اساس و با خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴، قرار است در چارچوب توافق‌نامه امنیتی کابل- واشنگتن، تعداد ۹۸۰۰ نفر نیروی امریکایی تا پایان سال ۲۰۱۴، در ۹ پایگاه امریکایی در افغانستان باقی بمانند که این تعداد در سال ۲۰۱۵ نصف خواهد گردید و تا سال ۲۰۱۶ نیز فقط یک هزار نفر نیروی امریکایی با مأموریت حفاظت از دفاتر نمایندگی امریکا در افغانستان، در این کشور باقی خواهند ماند. (Cfr., 2013) لذا جهت تأمین امنیت نیروهای امریکایی در افغانستان، برقراری نظم و ثبات موردنظر واشنگتن در این کشور و تأمین منافع امریکا در فرایند مذاکرات صلح با طالبان، نیاز به همکاری با پاکستان، کمافی‌السابق ضروری به نظر می‌رسد. با عنایت به این موضوعات است که شاهد اقدام قاطع و جدی از جانب امریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان نیستیم. پاکستان نیز در روابط دو جانبه با امریکا، از کمک‌های اقتصادی و سلاح‌های امریکایی از جمله هواپیمای اف-۱۶ بهره‌مند شده است. اسلام‌آباد طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲، ۲۵ میلیارد دلار کمک از واشنگتن دریافت نموده است که ۱۷ میلیارد دلار آن کمک نظامی و ۸ میلیارد دلار آن تحت عنوان کمک‌های اقتصادی است. (thenews, 2013) امریکا هم‌چنین در سال ۲۰۱۳ مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار جهت ارسال کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان اختصاص داد (the guardian, 2013).

در کنار نظریه‌ی نوواقع‌گرایی، از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری و متغیرهای هویت جمعی و هویت اجتماعی نیز می‌توان سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان را طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ تبیین نمود. برای این منظور، در زیر به تبیین هویت جمعی و اجتماعی دو کشور و تأثیر آن بر سیاست واشنگتن در قبال برنامه هسته‌ای تسلیحاتی اسلام‌آباد طی دوران مذکور می‌پردازیم.

بر اساس متغیر هویت جمعی پاکستان که شامل خصوصیات درونی انسانی، مادی و ایدئولوژیک کشور است، ناسیونالیسم، به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هویت جمعی این کشور از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ به مانند دوران جنگ سرد و پایان جنگ سرد تا ۲۰۰۱ محسوب می‌شود. رهبران پاکستان از زمان استقلال کشور تاکنون، با طرح شعارهای ناسیونالیستی همواره این متغیر مهم را به نمایش گذاشته‌اند. احساسات ناسیونالیستی پاکستانی‌ها در برابر هر موضوعی (از جمله موضوع برنامه هسته‌ای) که منجر به تضعیف جایگاه کشورشان در برابر هند گردد، بیش از پیش نمایان می‌شود. متغیر دیگر در هویت جمعی پاکستانی‌ها، به مانند دوران جنگ سرد و پس از آن، موضوع احساس عدم امنیت است. این موضوع ریشه در تحمل شکست، طی سه جنگ پاکستان با هند در سال‌های ۱۹۴۷، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ و جدایی پاکستان شرقی (بنگلادش) از پاکستان و نتایج نامطلوب آن بر امنیت کشور، مسئله بحران کشمیر و اعتقاد به تعلق داشتن کشمیر به پاکستان با توجه به اکثریت جمعیت مسلمان کشمیر دارد. دغدغه‌ی

امنیت همواره میان پاکستانی‌ها وجود داشته است. اختصاص بیش از نیمی از بودجه‌ی کشور به ارتش و جایگاه برتر نظامیان در پاکستان خود گویای همین موضوع است. از دیگر متغیرهای مرتبط با هویت جمعی پاکستان، نقش مهم و برجسته‌ی مذهب، در هویت پاکستانی‌ها است. پس از اظهارنظر محمدعلی جناح، بنیان‌گذار این کشور، مبنی بر لزوم جدا بودن مکان زندگی مسلمانان از هندوها، پاکستان، به معنی سرزمین پاک، در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد (Ahmed, 2013: 28). باید در نظر داشت که دوران یک ساله‌ی زمام‌داری محمدعلی جناح، مذهب در شکل بنیادگرایی آن مورد توجه نبود. شعار معروف جناح با مضمون یک ملت، یک فرهنگ و یک زبان و هم‌چنین اعلام آزادی اقلیت‌های غیرمسلمان برای رفتن به معابد و اماکن مذهبی‌شان، خود گویای آزادمنشی اوست.

با گذشت زمان و روی کار آمدن ژنرال ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷، شاهد گسترش تفکرات دیوبندی^۲ و تکوین فرقه‌گرایی مذهبی در این کشور بودیم که تاکنون نیز ادامه دارد. در هر صورت، اعتقاد به مسائل مذهبی در پاکستان به موضوعات هسته‌ای این کشور نیز تسری یافته است. به عنوان مثال، ذوالفقار علی بوتو در زمینه لزوم دست‌یابی پاکستان به سلاح هسته‌ای معتقد بود که "همه تمدن‌های مسیحی، یهودی، هندی و کمونیست‌ها، جز تمدن اسلامی، دارای سلاح هسته‌ای هستند، لذا این موضوع می‌بایستی تغییر کند" (Ahmed, 2013: 38). عبدالقادر خان نیز با تکیه بر عقاید مذهبی، پس از دست‌یابی پاکستان به توانایی تسلیحاتی هسته‌ای و مخالفت‌های صورت گرفته با برنامه هسته‌ای این کشور اعلام کرد اسرائیل و همه کشورهای غربی، نه فقط دشمن پاکستان، بلکه دشمن اسلام هستند؛ اگر هر کشور اسلامی به غیر از پاکستان نیز به این مرحله می‌رسید، علیه آن کشور نیز تبلیغات و جنجال برپا می‌کردند (Windrem, 2013).

بنابراین می‌توان گفت که پاکستانی‌ها از دریچه‌ی مذهبی نیز به موضوع هسته‌ای کشورشان نگریسته و هرگونه مخالفت و مواضع منفی بیگانگان با برنامه هسته‌ای پاکستان را به موضوع مخالفت سایر تمدن‌ها و غیر مسلمانان با تمدن اسلامی و مسلمانان مرتبط می‌دانند و از این‌رو، با هرگونه درخواست کنترل و نظارت امریکا بر برنامه‌ی هسته‌ای خود مخالفت می‌کنند. موضوع دیگری که در ارتباط با هویت جمعی پاکستانی‌ها مطرح است، جایگاه زرادخانه هسته‌ای این کشور است که به مثابه نماد و افتخار ملی پاکستانی‌ها در طول تاریخ این کشور محسوب گشته است. از نظر پاکستانی‌ها، دارا بودن سلاح هسته‌ای، جایگاه استراتژیک و حیثیت ویژه‌ای به کشور آن‌ها اعطاء نموده است؛ لذا حاضر نیستند تحت هیچ شرایطی، این دارایی استراتژیک خود را از دست بدهند و یا حتی اطلاعات دقیقی در خصوص تعداد دقیق تسلیحات هسته‌ای و سایت‌های هسته‌ای در اختیار امریکا بگذارند.

بر اساس متغیر هویت اجتماعی پاکستان (برداشت امریکا از پاکستان)، دو موضوع مبارزه با تروریسم و امنیت زرادخانه‌ی هسته‌ای پاکستان در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، قابل ذکر است. پاکستان پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به دلیل وجود چندین هزار مدرسه مذهبی مروج تفکرات رادیکال در کشور، حضور انواع گروه‌های تروریستی مرتبط با القاعده و طالبان در خاک کشور، موقعیت مناطق قبیله‌ای پاکستان به منزله‌ی بهشت امن تروریست‌ها و هم‌چنین ارتباط‌آی.اس.آی در زمینه مبارزه با تروریسم پاکستان با طالبان مورد توجه امریکا قرار گرفت (محمودی و شفیع، ۱۳۹۱). وجود همین متغیرهای مهم موجب گردید که واشنگتن به اهمیت اسلام‌آباد در مبارزه علیه تروریسم القاعده اذعان نماید و همکاری‌های مختلفی در زمینه مبارزه علیه تروریسم شکل بگیرد که تا امروز نیز در اشکال مختلف ادامه داشته است. در خصوص برداشت امریکا از برنامه‌ی نظامی هسته‌ای پاکستان طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ باید گفت، پس از پیوستن اسلام‌آباد به ائتلاف ضد تروریسم، امریکا اقدام به لغو تحریم‌ها و ارسال انواع کمک‌ها به پاکستان نمود و ضمن عدم مخالفت با برنامه‌ی هسته‌ای این کشور، خواستار تأمین امنیت هرچه بیشتر سایت‌های هسته‌ای گردید. هرچند بر اساس اعلام‌نظرهای رسمی دولت مردان امریکا از جمله اوباما، این کشور، اطمینان کافی به وجود امنیت در تأسیسات هسته‌ای پاکستان دارد (Korb, 2009)، اما برخی سیاست‌مداران امریکایی نه تنها اطمینان قطعی در این ارتباط ندارند بلکه همکاری اسلام‌آباد با واشنگتن، جهت رفع هرگونه نگرانی امنیتی را کامل و صادقانه نمی‌دانند. به‌عنوان نمونه، لشلی اچ. گلب^۴، رئیس سابق شورای روابط خارجی امریکا نیز معتقد است واشنگتن نمی‌تواند به توافقی جامع با اسلام‌آباد دست یابد. چنان‌چه ژنرال‌های ارتش پاکستان در زمینه موضوع برنامه هسته‌ای صحبت کردند، مطمئن باشید که دروغ می‌گویند؛ چراکه اسلام‌آباد تمایلی به اشتراک گذاشتن اطلاعات برنامه هسته‌ای‌اش با امریکا ندارد (Hersh, 2009). در همین ارتباط، جیمز جونز، مشاور امنیت ملی وقت امریکا، اظهار کرد که اگر هر مسؤل امریکایی بگوید اطلاعاتی در خصوص مکان تمامی تأسیسات هسته‌ای پاکستان در اختیار دارد، دروغ است و چنین چیزی ممکن نیست (Goldberg and Ambinder, 2011).

با عنایت به دو موضوع مبارزه علیه تروریسم و امنیت زرادخانه‌ی هسته‌ای پاکستان، به عنوان متغیرهای مربوط در بحث هویت اجتماعی پاکستان، می‌توان گفت در خصوص مسئله مبارزه علیه تروریسم، علی‌رغم حمایت عملی پاکستان از برخی اهداف امریکا مانند جنگ با القاعده، همواره سایه شک و تردید بر روابط دو کشور در زمینه نبرد علیه تروریسم وجود داشته است. منتقدان معتقدند اردوگاه‌های آموزشی تروریست‌ها در خاک پاکستان به تحریک مبارزان افراطی علیه هند و انجام فعالیت‌های تروریستی در کشمیر و افغانستان، نشر و گسترش عقاید رادیکال در اطراف جهان می‌پردازند (Hadar,

3: 2002). در حقیقت، پاکستان به دلیل لحاظ نمودن مسائلی نظیر معضل کشمیر، مسئله خط دیوراند^۲، گسترش خطر نفوذ دهلی در کابل، نوعی عدم صداقت در مبارزه با تروریسم در شکل حمایت از گروه‌های تروریستی کشمیری و طالبان افغان را در راستای تأمین منافع خود در پیش گرفته است و تا زمان رفع ملاحظات استراتژیک خود، به این رویه ادامه خواهد داد (دهشیار و محمودی، ۱۳۸۹). در زمینه‌ی موضوع هسته‌ای نیز، علی‌رغم این‌که آمریکا در خصوص امنیت تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای پاکستان ابراز اطمینان نموده و به ارسال کمک در این زمینه اقدام کرده است، ولی در عمل شاهد مخالفت صریح مقامات ارشد نظامی پاکستان با هرگونه توافق با آمریکا و ارسال کمکی از جانب این کشور هستیم که منجر به کنترل آمریکا بر برنامه هسته‌ای پاکستان بشود.

بر این مبنا می‌توان گفت برداشت آمریکا از پاکستان در چارچوب مدل لاکی نظریه‌ی سازه‌نگاری قابل تبیین است، که طبق آن، روابط کشورها نه خصمانه و مبتنی بر دشمنی و منازعه (مدل هابزی)؛ و نه دوستانه و مبتنی بر اتحاد و همکاری (مدل کانتی) است، بلکه در میانه‌ی این دو وضعیت قرار دارد. پاکستان بر این اساس، همکاری همه‌جانبه، صادقانه و مطابق میل آمریکا (در چارچوب مدل کانتی) در جنگ علیه تروریسم با این کشور ندارد و آمریکا نیز به عنوان متحد همیشگی و قابل اطمینان (در چارچوب مدل کانتی) برای پاکستان به شمار نمی‌رود. ولی از جانب دیگر، این گونه نبوده است که اسلام‌آباد به‌طور کامل به مخالفت با راهبرد مبارزه علیه تروریسم و عدم همکاری با واشنگتن (در چارچوب مدل هابزی) پردازد و آمریکا نیز از زاویه یک دشمن (در چارچوب مدل هابزی) به پاکستان بنگرد؛ بلکه پاکستان علی‌رغم عدم صداقت در مبارزه علیه طالبان، حداقل در نبرد علیه تروریست‌های القاعده و تأمین حمایت لجستیکی، با واشنگتن همکاری قابل‌توجهی داشته است (مدل لاکی)، و آمریکا نیز در مقابل، در خصوص خشونت گروه‌های تروریستی کشمیری مورد حمایت پاکستان، عکس‌العملی جز قرار دادن اسامی برخی از این گروه‌ها در لیست گروه‌های تروریست جهانی نداشته است و با وجود آگاهی در خصوص برخی از اقدامات ناامن کننده پاکستان در افغانستان، به ارسال کمک‌های مالی و نظامی به اسلام‌آباد ادامه می‌دهد، اما از انعقاد قرارداد همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای با پاکستان-مشابه قرارداد همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای آمریکا با هند که در سال ۲۰۰۸ نهایی شد- امتناع می‌ورزد (مدل لاکی).

بر اساس متغیر هویت جمعی آمریکا که شامل خصوصیات درونی انسانی، مادی و ایدئولوژیک کشور است، رهبران انقلاب آمریکا از همان گام‌های اولیه، مبنای هویت ملی جامعه‌ی نوپای خویش را بر مضامینی چون آمریکا به عنوان ملتی برگزیده، مأموریت آمریکایی و استثناءگرایی قرار دادند. براین اساس، خداوند به ملت آمریکا نعمت‌های زیاد و قدرت فراوانی اعطا کرده است، بنابراین آمریکا مسؤل است که نسبت به خلق خدا رثوف و در خدمت تمامی بشریت باشد (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۹۰). هیچ

کشوری قادر به شکل دادن به نظم و ثبات بین‌المللی نیست و تنها امریکا از این توانمندی برخوردار است (دهشیار، ۱۳۸۶: ۴۴). استثناء‌گرایی نیز این مسأله را القاء می‌کند که امریکا به علت پاک بودن مقاصدش و فضیلت رژیم حاکم بر آن می‌تواند بین خیر و شر قضاوت کند، به دیگران نمرات خوب و بد بدهد، عوامل شرور و آشوب‌گر را تنبیه کند (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۹۵). طبق این مضامین و برداشت هویتی امریکا از خود، می‌توان گفت امریکایی‌ها دلیل ارسال کمک به پاکستان طی سال‌های پس از ۲۰۰۱ به بعد را در کنار دلایل نواقع‌گرایانه، توجیهاتی نظیر کمک به حاکمیت قانون و حمایت از آزادی در این کشور، در راستای مسؤلیت الهی خود می‌دانند و معتقدند که به عنوان قدرت برتر و حامی ثبات بین‌المللی، تصمیمات صحیح را در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان اتخاذ کرده و در این راستا، ضمن عدم تحمیل فشارهای شدید به این کشور، اقدام به ارسال انواع کمک‌ها به اسلام‌آباد نموده‌اند.

در تعامل با سیاست داخلی، سیاست خارجی امریکا نیز تحت تأثیر عناصر واقع‌گرایی با محوریت منافع ملی و آرمان‌گرایی با محوریت اصول اخلاقی شکل می‌گیرد. این عناصر در ارتباط با یکدیگر، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی امریکا را بر اساس چهار سنت جفرسونی، جکسونی، همیلتونی و ویلسونی شکل می‌دهند (Oconnor, 2009). شعار مبارزه علیه تروریسم و محدود کردن فضای تنفسی بنیادگرایان (به عنوان دشمنان شرور امریکا) که با راهبرد اشاعه‌ی لیبرالیسم توسط امریکا در سال‌های اخیر پیگیری می‌شود، در چارچوب هر چهار سنت تاریخی مذکور قابل تفسیر است که بر اهدافی چون حمایت از آزادی، توسعه سرمایه‌داری، منزوی کردن رژیم‌های اقتدارگرا، نابودی دشمنان و در نهایت، تضعیف بازیگرانی که در پی هم‌آوردجویی با امریکا هستند، تأکید می‌کند (Dolan, 2003: 427)، و از آن‌جا که به زعم سیاست‌مداران امریکایی، خطر و تهدید در منطقه جنوب آسیا نهفته است؛ لذا پاکستان می‌تواند به واشنگتن در مبارزه با تروریسم کمک نماید و در مقابل، از مخالفت قاطع امریکا با برنامه هسته‌ای خود مصون بماند.

بر اساس متغیر هویت اجتماعی امریکا (برداشت پاکستان از امریکا)؛ می‌توان گفت برداشت افکار عمومی در پاکستان از امریکا این است که واشنگتن در مقایسه با اسلام‌آباد، به دهلی‌نو علاقه دارد و به ناحق پاکستان را تنبیه می‌کند. پاکستانی‌ها بر این باورند که امریکا زمانی که به پاکستان نیاز دارد، به سراغ آن آمده و حمایتش می‌کند، ولی به محض این که احساس کند دیگر نیازی به این کشور ندارد، آن را به حال خود رها می‌کند (Goldberg and Ambinder, 2011). اسلام‌آباد در همین ارتباط معتقد است که امریکا حاضر نشد قراردادی مشابه با توافق‌نامه هسته‌ای واشنگتن-دهلی را با پاکستان امضاء نماید (Syed, 2010)، توافق‌نامه‌ای که موازنه‌ی هسته‌ای در جنوب آسیا را بر هم می‌زند و منجر به تشدید مسابقه‌ی تسلیحاتی در منطقه می‌شود (Sastry, 2010)؛ لذا پس از رد درخواست اسلام‌آباد از سوی واشنگتن جهت انعقاد قراردادی

مشابه، پاکستان به سمت چین رفت. البته سابقه‌ی همکاری هسته‌ای پکن و اسلام‌آباد به دوران جنگ سرد، به‌خصوص زمان کنترل مواد و اقلام صادراتی هسته‌ای توسط غرب باز می‌گردد که چین اقدام به تأمین کارشناسان تکنیکی، تجهیزات سانتریفیوژ، طراحی کلاهک، اورانیوم با غنای بالا، اجزای سیستم‌های متفاوت موشکی، مشارکت در ساخت تأسیسات هسته‌ای پاکستان مانند رآکتور آب سنگین خوشاب و نیروگاه تولید پلوتونیوم چشم‌آ^{۴۳} یک، دو، سه، چهار و پنج نمود (Hibbs, 2013). افکار عمومی پاکستان هم‌چنین بر این باور است که امریکا درصدد نابودی برنامه هسته‌ای آن کشور و لذا موجب تضعیف شدید اسلام‌آباد در مقابل دهلی‌نو (شبهه مسأله اعراب در برابر اسرائیل) است (Landler, 2013). براین اساس، حتی افسرانی که جهت دستگیری اعضای القاعده با امریکا همکاری کردند، به هیچ‌وجه راضی نیستند که امور کنترل هسته‌ای پاکستان در دست امریکا قرار بگیرد. سوءظن به امریکا میان نیروهای امنیتی پاکستان بخصوص پس از حمله^d نیروهای امریکایی به ایت‌آباد^{۴۴} تشدید گردید. پس از این حمله، فقط ۶ درصد پاکستانی‌ها امریکا را به عنوان یک شریک می‌پنداشتند (Goldberg and Ambinder, 2011). با تمام این اوصاف، دولت‌مداران پاکستانی با برداشتی که از امریکا به عنوان حامی مالی و نظامی خود دارند، از طریق برخورد دیپلماتیک و رد درخواست امریکا جهت دسترسی واشنگتن به تجهیزات هسته‌ای اسلام‌آباد، در فکر ادامه و گسترش روابط با امریکا و دریافت کمک‌های بیشتر می‌باشند. در طرف دیگر، دلیلی هم مبنی بر قصد امریکا جهت غیرهسته‌ای نمودن پاکستان وجود ندارد. کیتلین هایدن^{۴۵}، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا اعلام کرد که "امریکا متعهد به شراکت طولانی مدت با پاکستان است و ما متعهد به رابطه برپایه منافع و احترام دو جانبه هستیم. مدیریت ضد تروریسم، امنیت هسته‌ای موضوعات کلیدی در روابط طرفین است" (rt, 2013).

با عنایت به موضوعات فوق می‌توان گفت که برداشت پاکستان از امریکا بر اساس فرهنگ لاکی در چارچوب نظریه سازه‌نگاری است، که طبق آن، متغیرهایی نظیر اهمیت تاکتیکی و نه استراتژیکی پاکستان نزد امریکا، تمایل بیشتر امریکا به هند در مقایسه با پاکستان و تجلی آن در توافق‌نامه هسته‌ای واشنگتن-دهلی، حمله‌ی مخفیانه‌ی نیروهای امریکا برای دستگیری بن لادن به ایت‌آباد، انتشار اسناد توسط اسنودن در ارتباط با اقدامات جاسوسی امریکا از زرادخانه‌ی تسلیحات هسته‌ای پاکستان، آگاهی دولت‌مداران پاکستان به واقعیت نیاز این کشور به حمایت‌های مالی و نظامی امریکا و... نشان می‌دهد که پاکستان علی‌رغم چالش‌های موجود در روابط خود با امریکا، نمی‌تواند نقش و جایگاه واشنگتن را در تأمین منافع خود نادیده بگیرد، لذا با طرح تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای و عدم پذیرش کنترل امریکا بر این تأسیسات و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، در

43 Chashma plant

44 Abbottabad

45 Caitlin Hayden

فکر ادامه و گسترش روابط با امریکا و دریافت کمک‌های بیشتر از این کشور است.

نتیجه‌گیری

ایالات متحده امریکا از آغاز فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان تاکنون، یکی از بازیگران مهم و مرتبط با آن محسوب می‌گردد. بر اساس فرضیه‌ی نوشتار حاضر، سیاست امریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان متأثر از متغیرهای ساختار مادی (ویژگی‌های مرتبط با ساختار نظام بین‌الملل) و ساختار غیرمادی (هویت جمعی و اجتماعی) است. از منظر نظریه‌ی نواقع‌گرایانه، همان‌گونه که در دوران جنگ سرد، الزامات استراتژیکی و ساختاری برای امریکا مانند لزوم سد نفوذ شوروی و مبارزه با کمونیسم عامل عدم مخالفت جدی واشنگتن با برنامه‌ی هسته‌ای اسلام‌آباد محسوب می‌گردید؛ در دوران پس از جنگ سرد و به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴ نیز ملاحظاتی نظیر ایجاد ثبات از طریق ایجاد بازدارندگی هسته‌ای پاکستان در مقابل هند (نه امریکا)، پذیرش نظم و نظام موجود بین‌المللی توسط اسلام‌آباد و نیاز امریکا به پاکستان در مبارزه علیه تروریسم، باعث شده است که پاکستان از اقدامات جدی امریکا علیه برنامه‌ی هسته‌ای خود مصون بماند.

از طرف دیگر، طبق مؤلفه‌های هویت جمعی و اجتماعی دو کشور، طبق نظریه‌ی سازه‌نگاری، مشخص شد که برداشت واشنگتن از اسلام‌آباد و بالعکس، در قالب فرهنگ لاکی قرار می‌گیرد. از منظر پاکستان، زرادخانه هسته‌ای، جایگاه خاصی به لحاظ امنیتی و حیثیتی برای این کشور داشته است و رویکرد مذهبی نیز موجب تقویت این دیدگاه شده است. علی‌رغم اینکه پاکستانی‌ها از آن چه تحت کنترل درآمدن برنامه‌ی هسته‌ای خود توسط امریکا هراس دارند، اما در برداشت خود از واشنگتن، بر ادامه و گسترش روابط و جنبه تأمین نیازهای مالی و نظامی توجه دارند و تلاش می‌کنند تا جایی که ممکن است از ایجاد حساسیت در قبال برنامه‌ی هسته‌ای خود جلوگیری نموده و بر امن بودن آن تأکید نمایند. در طرف دیگر، از منظر امریکا، برنامه‌ی هسته‌ای پاکستان در چارچوب برداشت کلی واشنگتن از اسلام‌آباد، مبتنی بر عدم برداشت خصومت‌آمیز قرار می‌گیرد. امریکا معتقد است با توجه به وجود خطر و تهدید در جنوب آسیا، پاکستان می‌تواند علی‌رغم صداقت در مبارزه علیه تروریسم، حداقل در مبارزه علیه تروریست‌های القاعده، تأمین لجستیک برای نیروهای امریکا، نیاز به پاکستان در زمان پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ مفید واقع شود و از این طریق، از مخالفت قاطع امریکا با برنامه‌ی هسته‌ای اش مصون بماند.

بر این اساس، امریکا در برداشت خود از برنامه‌ی تسلیحاتی هسته‌ای پاکستان بر اساس مدل لاکی، به جای توجه به خطراتی نظیر سرقت تسلیحات هسته‌ای، بدست آوردن تسلیحات هسته‌ای توسط گروه‌های شبه‌نظامی در زمان بی‌ثباتی یا فروپاشی نظام سیاسی کشور، خطر ناشی از گسترش زرادخانه هسته‌ای این کشور، موضوع انتقال سلاح

هسته‌ای از پاکستان به عربستان و اشاعه هسته‌ای، به برداشتی با مضمون وجود اعتماد کافی به نهادها و مسئولان پاکستانی در زمینه‌ی امنیت سایت‌ها و تسلیحات هسته‌ای این کشور الویت می‌دهد. بر این مبنا، از یک طرف، تحریم‌های شدید و غیرقابل تحمل علیه فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان وضع نمی‌کند و در جهت تقویت امنیت سایت‌ها و تسلیحات پاکستان تمهیداتی می‌اندیشد، اما از طرف دیگر، از امضای قراردادی مشابه توافق‌نامه همکاری هسته‌ای واشنگتن-دهلی با اسلام‌آباد امتناع ورزیده و به توسعه‌ی هسته‌ای پاکستان کمکی نمی‌نماید.

به‌زعم پژوهشگران این تحقیق، امریکا از طریق اقداماتی نظیر انعقاد موافقت‌نامه‌ی همکاری اتمی با هند، موازنه‌ی هسته‌ای میان هند و پاکستان را برهم می‌زند و کشور فقیر و بی‌ثباتی چون پاکستان را مجبور به اختصاص هزینه‌های کلان در امور نظامی و هسته‌ای، به جای صرف بودجه در امور اقتصادی و اجتماعی، جهت بهبود شرایط زندگی و کاهش میزان افراط‌گرایی می‌کند، که این موضوع، احتمال وقوع ناامنی در تأسیسات هسته‌ای و تشدید فضای تسلیحاتی در منطقه جنوب آسیا را افزایش می‌دهد. در حالی‌که امریکا می‌تواند اولاً، پاکستان را تشویق و ملزم به عضویت در پیمان منع اشاعه کند، ثانیاً، از انعقاد قراردادهایی مشابه توافق‌نامه‌ی همکاری هسته‌ای با هند پرهیز نماید که موجب تحریک پاکستان برای گسترش تسلیحات متعارف و غیر متعارف می‌شود، و ثالثاً، پاکستان را جهت سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، اقتصادی، آموزشی تشویق کند تا اسلام‌آباد از طریق ایجاد محیط امن و باثبات داخلی و تأمین رفاه اقتصادی، زمینه‌ی بروز و گسترش تفکرات افراطی حامی تروریسم را سد نماید. به دیگر سخن، امریکا به جای توجه به پاکستان به عنوان متحد نظامی صرف، بایستی به توسعه زیربنایی و اقتصادی هر چه بیشتر این کشور کمک کند و از اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به بی‌ثبات کردن محیط جنوب آسیا و در پی آن، فروش گسترده تجهیزات نظامی به این کشور می‌شود اجتناب کند؛ چراکه این امر نتیجه‌ای جز تحریک پاکستان به سمت اختصاص بودجه نظامی بیشتر و تقویت هرچه بیشتر زرادخانه‌ی هسته‌ای و افزایش وابستگی بیشتر به تسلیحات هسته‌ای و در مقابل، کاهش بودجه‌ی لازم جهت اختصاص در امور زیربنایی کشور و گسترش افراط‌گرایی در پی ندارد.

منابع

الف) منابع فارسی

بوزان، بری. (۱۳۸۹). ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه‌ی عبدالمجید حیدری، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

دهشیار، حسین و زهرا محمودی. (۱۳۸۹). ملاحظات پاکستان در فرآیند مبارزه علیه تروریسم، فصلنامه علمی-پژوهشی بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۵، تهران: پژوهشکده‌ی مرکز تحقیقات استراتژیک.

دهشیار، حسین. (۱۳۸۶). سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا، تهران: نشر قومس.

کالاهان، پاتریک. (۱۳۸۷). منطق سیاست خارجی امریکا نظریه‌های نقش جهانی امریکا، ترجمه‌ی داوود غرایق زندی و محمود یزدان‌فام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمودی، زهرا و نوذر شفیعی. (۱۳۹۱). واکاوی دلایل اهمیت پاکستان در مبارزه علیه تروریسم، پیش‌شماره‌ی فصلنامه علمی-پژوهشی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ایران از منظر سازه‌نگاری، طرح جامع پژوهشی سیاست خارجی ایران؛ نگاهی به سیاست خارجی ج.ا.ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌نگاری، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.

ونت، الکساندر. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) منابع انگلیسی

Abbas, Hassan. (2005). *Pakistan's Drift into Extremism: Allah, the Army, and America's War on Terror*, Available: <http://www.amazon.com>

Ahmed, Talha. (2014). *2014 report: Pakistan's most*

improved in nuclear security, India not so, Available: <http://tribune.com.pk/story/657377/2014-report-pakistan-most-improved-in-nuclear-security-beats-india>

Ahmed, Mehreen. (2013). **The Stability-Instability Paradox and the Effect of an Iranian Nuclear Weapon on Pakistan's Domestic Stability**, University of Colorado at Boulder Program in International Affairs.

Albright, David. (2002). *Al Qaeda's Nuclear Program: Through the Window of Seized Documents*, available: http://www.nautilus.org/archives/fora/Special-Policy-Forum/47_Albright.html#sect2.

Albright, David. (2001). *Securing Pakistan's Nuclear Weapons Complex*, Available: www.isis-online.org/publications/terrorism/stanleypaper.

Azam, Salehand and Rai Muhammad. (2005). *When Mountains Move—The Story of Chagai*, **The Nation**, <http://www.defencejournal.com/2000/june/chagai.html>

Barzegar, Kayhan. (2014). *Nuclear Terrorism: An Iranian Perspective*, **Middle East Policy**, Volume XXI, Number 1, available: <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/nuclear-terrorism-iranian-perspective>.

Bast, Andrew. (2013). *Report on safety and security of pakistans nuclear program*, Available: pakteahouse.net/2013/10/30/report-on-safety-and-security-of-pakistans-nuclear-program.

BBC Newsnight. (2013). **Saudi nuclear weapons 'on order' from Pakistan**, available: www.bbc.com/news/world-middle-east-24823846.

Blood, Peter. (2002). *Pakistan-U.S relation*, **Congressional Research Service.CRS. Issue Brief for Congress**. Available: <http://www.fas.org>.

Borger, Julian. (2010). *Pakistan's bomb and Saudi Arabia*, **The Guardian**, May.

Case, David. (2011). *Pakistan nuclear terror: an interview with Stanford's Scott Sagan*, available: <http://www.globalpost.com/dispatch/news/regions/asia-pacific/pakistan/110613>.

Chou, David. (2003). *U.S. policy towards India and Pakistan in the post cold war*, available: <http://www2.tku.edu.tw/~ti/Journal/8-3/832.pdf>.

Dolan, Chris. (2003). *Selective Multilateralism, International Politics*, Vol.40, p. 427.

Downer, Alexander. (2004). *The Threat of Proliferation: Global Resolve and Australian Action*, available: http://www.foreignminister.gov.au/speeches/2004/040223_lowy.html.

Eskildson, Loyd E. (2007). *Hall of Fame*, available: www.amazon.com/Deception-Pakistan-United-Nuclear-Weapons/dp/0802715540

Fernandez, Robin. (2011). *South Asian nuclear safety in fallible hands: US expert*, **The Express Tribune**.

Ganguly, Sumit and Devin Hagerty. (2005). **Fearful Symmetry: India-Pakistan Crises in the Shadow of Nuclear Weapons**, New Dehli: Oxford university press.

Goldberg, Jeffrey and Ambinder. (2011). *The Pentagon's Secret Plans to Secure Pakistan's Nuclear Arsenal*, available: <http://www.nti.org/gsn/article/the-pentagons-secret-plans-to-secure-pakistans-nuclear-arsenal>.

Gregory, Shaun. (2013). *The Terrorist Threat to Nuclear Weapons in Pakistan*, available: <http://www.europeanleadershipnetwork.org/the-terrorist-threat-to-nuclear-weapons-in-pakistan>.

The Guardian. (2013). *Does Pakistan have nuclear weapons ready to ship to Saudi Arabia*, available: <http://www.theguardian.com/world/julian-borger-global-security-blog/2013>.

Hadar, Leon T. (2002). *Pakistan in America's War against Terrorism: Strategic Ally or Unreliable Client*, **Policy Analysis**, No.436, Available: <http://www.cato.org/pubs/pas>.

Hersh, Seymour. (2009). *Defending the Arsenal In an unstable Pakistan, can nuclear warheads be kept safe?*, available: http://www.newyorker.com/reporting/2009/11/16/091116fa_fact_hersh.

Hibbs, Mark. (2013). *Chinese Chashma Poker Chip*, **Arms Control Wonk**, available: <http://armscontrolwonk.com>.
Hoodboy, Pervaiz. (2013). *interview to DAWN*, available: <http://dawn.com/2013/02/20/pervez-hoodbhoy-the-bomb-is-immoral>.

Iqbal, Anwar. (2013). *Safety of Pakistan's nuclear assets has improved: US*, available: www.dawn.com/news/1052111/safety-of-pakistans-nuclear-assets-has-improved-us.

27. Keck ,Zachary (2013), *No, Pakistan Won't Sell Saudi Arabia Nukes*, available: <http://thediplomat.com/2013/08/no-pakistan-wont-sell-saudi-arabia-nukes>.

Korb, Lawrence J. (2009). *The Security of Pakistan's Nuclear Arsenal*, **Bulletin of the Atomic Scientists**, available: <http://www.thebulletin.org/web-edition/features/the-security-of-pakistans-nuclear-arsenal>.

See also: *President Obama's 100th-Day Press Briefing*, **The New York Times**, April 29, 2009.

Landler, Mark. (2013). **Ex-Envoy Says Misunderstanding Runs on Both Sides of U.S.-Pakistan Ties**, available : www.nytimes.com/2013/10/23/world/asia.

Momani, Bessma. (2004). *The IMF, the U.S. War on Terrorism, and Pakistan*, available: http://www.arts.uwaterloo.ca/~bmomani/Documents/AA_IMF_US_war_on_terrorism.pdf.

Narang, Vipin. (2010). *Posturing for Peace?*, **International Security**, Vol. 34, No. 3.

Nelson, Dean. (2014). *A.Q. Khan boasts of helping Iran's nuclear programme*, available: <http://www.telegraph.co.uk/news>

Nuclear Last updated. (2013). available: <http://www.nti.org/country-profiles/pakistan>.

Nuclear Black Markets: Pakistan, A.Q. Khan and the Rise of Proliferation Networks (2007). **Strategic Dossiers Detailed information on key strategic issues**, available: <http://www.iiss.org/en/publications/strategic>

O'Connor, Brendon. (2009). *American Foreign Policy Traditions: A Literature Review*, **the United States Centers at the University of Sydney**.

Pakistan received \$68 billion in US assistance during 66 years. (2013). available: <http://www.thenews.com.pk/article-123489>.

Pakistan, International Panel on Fissile Materials. (2013). available: www.fissilematerials.org.

Pakistan received \$68 billion in US assistance during 66 years. (2013). available: <http://www.thenews.com.pk/article-123489>.

Pearson, Alexander. (2013). *Pakistan's Nuclear Buildup: The End of US 'Strategic Silence?*, available: <http://www.nukesofhazardblog.com/story/2013/11/14/163517/14>.

Rose, Brian. (2011). *Bleak Outlook for 2011 Conference on Disarmament*, **USIP Peace Brief**, available: www.usip.org.

Sagan, Scott and Kenneth Waltz. (2003). **The Spread of Nuclear Weapons a Debate Renewed**, available: <http://davidthsu.files.wordpress.com/2013/05/sagan-waltz-the-spread-of-nuclear-weapons.pdf>.

Salik, Naeem and Kenneth N. Luongo. (2013). *Challenges for Pakistan's Nuclear Security*, Arms Control Association, available: http://www.armscontrol.org/act/2013_03/Challenges-for-Pakistans-Nuclear-Security

Sanger, David and Schmitt, Eric. (2011). *Pakistani Nuclear Arms Pose Challenge to U.S. Policy*, available: <http://www.nytimes.com/2011/02/01/world/asia/01policy.html>

Sastry, Ch. Viyanna. (2010). *Pakistan against signing the NPT as a non-nuclear weapons state*, available: www.idsa.in/idsacomments/PakistanagainstsigningtheNPTasanon-nuclearweapon.

Schell, Phillip and Hans M. Kristensen. (2013). *Pakistani Nuclear Forces*, **SIPRI Yearbook**.

Schweller and Priess. (1997). *A Tale of Two Realism Expanding the Institutions Debate*, **International Studies Review**, 41, pp. 1-32.

Singh, Swaran. (2013). *Deconstructing the Pak bomb*, available: www.thehindu.com/books/deconstructing-the-pak-bomb

Snowden files reveal US has increased surveillance in Pakistan. (2013). available: <http://rt.com/usa/snowden-leak-pakistan-nuclear-358/>

Stein, Jeff. (2012). *The Man Who Warned Congress about Pakistan Nukes Paid a Steep Price*, available: <http://www.newsweek.com/agent-who-warned-congress-about-pakistan-nukes-paid-steep-price>.

Sublette, Carey. (2002). *Pakistan's Nuclear*

Weapons Program The Beginning, available: <http://nuclearweaponarchive.org>.

Syed, Baqir Sajjad. (2010). *Expectations for civilian nuclear deal dampened by US*, **Dawn**, available: www.dawn.com.

The United States and Pakistan's Quest for the Bomb. (2010). available:

<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/nukevault/ebb333/>.

Text of Prime Minister Muhammad Nawaz Sharif Statement at a Press Conference on Pakistan Nuclear Tests. (1998). **Islamabad**, 29 May, available: <http://nuclearweaponarchive.org>.

Tertrais, Bruno. (2007). *Not a 'Wal-Mart', but an 'Imports-Exports Enterprise': Understanding the Nature of the A.Q. Khan Network*, **Strategic Insights**, Vol. VI, Issue 5.

The News (30 May 1998). *Interview with Abdul Qadeer Khan*, Islamabad, available: <http://nuclearweaponarchive.org>.

Umbreen, Javaid. (2006). **Peace and Security in South Asia: Issues and Challenges**, Lahore: Pakistan Study Center.

US quietly releases \$1.6bn in aid to Pakistan after thaw in relations. (2013). available: <http://www.theguardian.com/world/2013/oct/19/usforeignpolicy-pakistan>.

Council on Foreign relation. (2013). *U.S.-Afghan Bilateral Security Agreement*, available: www.cfr.org

Windrem, Robert. (2013). *Pakistan's nuclear father, master spy*, available: http://www.nbcnews.com/id/3340760/ns/world_news-south_and_central_asia.